

فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۳A۴۰۰۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

چالش های حقوق بشر در جنگ علیه تروریسم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۶/۱۲)

طاهره ربانی بیدرونی^۱

جمال الدین شعبانی

چکیده

تاریخ نشان می‌دهد هنگامی که جوامع، حقوق بشر را با امنیت معامله کرده اند، اغلب هیچیک از آن دو را به دست نیاورده اند. در واقع، این اقلیتها و دیگر گروههای حاشیه نشین بوده‌اند که تاوان این معامله را از طریق نقض حقوق بشری خویش پرداخت کرده اند. پس از وقوع حوادث متعدد تروریستی در سالهای اخیر زمینه ای ایجاد گردید. تا اقدامات گسترده ی امنیتی صورت گیرد که حقوق اولیه ی مدنی و قضایی اشخاص به واسطه و به بهانه ی تهدیدات و عملیات های تروریستی به شدت در معرض نقض و تجاوز قرار گیرد. این حوزه از ادبیات حقوقی در خلال جنگ جهانی علیه تروریسم قواعد موجود حقوق بین الملل را در دو حوزه ی مختلف به چالش کشیده است؛ تردیدی نیست که جامعه بینالمللی به تلاش برای دستیابی به یک مبنای مشترک در یافتن تعریفی از تروریسم ادامه خواهد داد و شاید در طی زمان به توافقی جزئی نیز برسد. البته از قبل توافقهایی راجع به ممنوعیت بعضی از اعمال که جامعه بین المللی آنها را تروریستی میدانند.

واژگان کلیدی: تروریسم، حقوق بشر، حقوق بین الملل بشردوستانه، جنگ علیه تروریسم

مقدمه

در سالهای اخیر و با حوادث تروریستی که آغاز آن از حمله به برجهای دوقلو در آمریکا شروع شد. ایالات متحده آغاز جنگی علیه تروریسم را اعلان نمود {۱}. تروریست‌های مدنظر وی، نه تنها دست به کشتار مردم بیگناه می‌زدند بلکه تهدیدی علیه زندگی مردم سالارانه نیز به حساب آورده می‌شدند. جنگی که در وهله نخست، علیه القاعده آغاز شد، ولی لزوماً در همین جبهه به پایان نمی‌رسید، تنها زمانی پایانی برای آن متصور بود که همه‌ی گروه‌های تروریستی در سراسر جهان شناسایی شوند و از ادامه‌ی انجام عملیات‌های خشونت بار خود دست بردارند {۲}. تروریسم دقیقاً آنتی‌تر حقوق بشر است، به همین دلیل است که چنین اقداماتی در منظر حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدامی نامشروع تلقی می‌گردد. دولت‌ها مسئولیت دارند تا در سطح ملی، تابعان خود را از گزند چنین حوادثی محفوظ نگاه دارند و در سطح بین‌المللی عاملان چنین اقداماتی را به دست عدالت کیفری بسپارند. البته در جریان انجام این مسئولیت دولت‌ها موظف هستند که خود نیز از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق پناهندگان متابعت نمایند. اما رویه‌ی دولت‌هایی مانند ایالات متحده، چین، هند، روسیه، و بریتانیا در مبارزه با تروریسم نشان می‌دهد که تلاش‌های آنها در موارد بسیاری با تخلفات و تجاوزات حقوق بشری توأم بوده است. {۳}

در واقع تصویری واقع‌بینانه را فضای موجود در جریان جنگ علیه تروریسم چنین است که اقدامی موجه در ابتدا برای جلوگیری از بروز وقایع مشابه در آینده چنان با هیمنه و پرطمطرق و با وسعتی آنچنان گسترده پی گرفته شده است که نه می‌توان مرز زمانی و نه مرزی مکانی برای آن متصور شد، که خود زمینه‌ساز وقوع بسیاری فجایع انسانی، حتی علیه شهروندان خودی شده است. حاکمیت قانون و ارج نهادن به ارزش‌های حقوق بشری از اولویت دولت‌های درگیر در این جنگ خارج شده است. به این معنا که تلاش و تقلا‌ی دولت‌های در حال مبارزه با فعالیت‌های تروریستی، تا آنجا شدت گرفته است که حتی در پاره‌ای موارد اقدامات آنها آشکارا در تضاد با ارزش‌های مورد ادعای آنها است. این امر سبب شده است که فضای حاکم بر سیاست‌های عمومی این کشورها بسیار امنیتی شود. روا داری و تساهل که فرهنگ غرب به ویژه آمریکا آن را مایه‌ی فخر و مباهات خود می‌دانست، با چالش‌های فراوانی رو به رو شده است. اما مایه‌ی تاسف اینک اگرچه در ابتدا این اقدامات از سوی کشور ایالات متحده آمریکا پی گرفته شد، ولی پس از چندی کشورهای بسیار دیگری از

همین فرمول برای مبارزه با گروه‌های مخالف خود، که تروریست می‌خوانند، بهره گرفتند. به گونه‌ای که می‌توان این تغییر رویه را در سیاست‌های بسیاری از کشورها مشاهده نمود.

عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر علیه آمریکا در سال ۲۰۰۱ جدی‌ترین حمله‌ی تروریستی علیه یک دولت و جمعیت تحت صالحیت آن تاکنون بوده است. اهمیت دیگر این حمله آن بود که موجبات به وجود آمدن تغییراتی مهم و اساسی در حقوق بین‌الملل را نیز سبب شد. این واقعه باعث شد تا برخی تقسیم‌بندی‌های حقوقی دچار تغییر گردند و نیاز به مرور دوباره‌ی علمای حقوق در خصوص آنها آشکار گردید. در حوزه‌ی داخلی نیز تاثیرات شگرفی بر سیستم قضایی ایالات متحده‌ی آمریکا بر جای نهاد چرا که پتانسیل و منابع بسیاری از این ارگان‌ها صرف تحقیق و پیگرد تروریست‌ها و عاملین اقدامات تروریستی می‌شود. {۴}

تلاش پژوهش حاضر بر این است تا ابتدا با تبیین مفهوم و فضای شکل گرفته در جریان جنگ علیه تروریسم بتوانیم زمینه‌ای را فراهم کنیم که محدودیت‌های وارد آمده و نقض‌های حقوق بشری به وجود آمده را به بهانه و توجیه آنکه اکنون فضای مبارزه و جنگ علیه تروریسم چنین تفسیقات و نقض‌هایی را موجه و متعارف می‌شناسد مورد بررسی قرار دهیم. تقسیم‌بندی حقوق بشری که روزی دنیای متمدن تعلق به رعایت این حقوق را از افتخارات زمانه‌ی خویش می‌دانست، با ورود به گفتمان جنگ علیه تروریسم عدم پایبندی یا محدودیت‌های وارد آمده بر آن را توجیه می‌کند. در واقع مفهوم تروریسم و مبارزه‌ی با آن در عصر حاضر مبدل به خیر عمومی شده است که لازمه‌ی مقابله و دفع آن منجر به تجویز بسیاری از شرارت‌ها و اعمال نادرست گردیده است، اعمالی که اگرچه نادرستی آن بر کسی پوشیده نیست، ولی مبارزه با چنان دشمن خونخوار و بی‌رحمی چون گروه‌های تروریستی، عمل بدان‌ها را توجیه می‌کند. البته ناگفته نماند قربانیان چنین مبارزه‌ای بیشتر در عرصه‌ی قواعد و اصول استقرار یافته‌ی حقوق بشری، اشخاصی هستند که مدت‌ها است در مجموعه‌ی قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مورد رعایت و احترام بوده‌اند. بیشتر مباحثی که در خصوص توسعه‌ی قدرت دولت‌ها برای مبارزه در جنگ علیه تروریسم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر مطرح شده است در قالب ایجاد توازن میان امنیت و آزادی‌های حقوق بشری بیان شده است. در واقع، تمامی تلاش‌ها بر این محور شکل گرفته است که چندان دولت‌ها را قدرتمند کند که بتوانند از وقوع حوادث مرگبار مشابه جلوگیری نمایند {۵}. در نقطه‌ی مقابل نیز ارزش‌ها و حقوق بشری بنیادین نیز از گزند توسعه

طلبی‌های بی‌امان دولت‌ها در امان بمانند. اما در دنیای عمل ایجاد و برقراری چنین تعادلی کاری چندان آسان نبوده است و شاهد آن هستیم که حتی بسیاری از بنیادین‌ترین حقوق بشری که جزء هسته سخت حقوق بشر محسوب می‌شوند نیز مورد تجاوز واقع شده و می‌شوند. نمونه‌ی آن منع شکنجه است که از جمله حقوق بشری است که هیچگونه استثنائی را بر نمی‌تابد اما در عرصه‌ی جنگ علیه تروریسم فضایی به وجود آمده است که اطلاق و عموم این حق بشری نیز گاه و بیگاه دچار خدشه می‌شود. حقوق بشر هیچگاه مانع و رادعی بر سر راه تامین امنیت از سوی دولت و پی‌گرفتن جنگ علیه تروریسم نیست. چرا که حقوق بشر عموماً مطلق نبوده و در کمتر موردی به صورت مناسب از سوی اسناد حقوقی رعایت تام و تمام آن تامین شده است. محدودیت‌های متعارف قابل‌اعمالی به نام تامین امنیت در خصوص حقوق حریم شخصی و دادرسی عادلانه به صورت متناسب و هر جا که ضرورت داشته باشد، وجود دارد. به همین دلیل رویکرد‌های امنیتی نیز باید مطابق رعایت کامل حقوق بنیادین بشری باشد که در اسناد بین‌المللی و داخلی درج گردیده است. بالاترین خواسته‌ی اجتماعی فراهم کردن نظامی سیاسی و اجتماعی است تا بتواند عدالت را محقق کند، چنین خواسته‌ای را نمی‌توان به صورت منفرد و به ضرر دیگر خواسته‌ها بکار گرفت. هر اندازه که یک نظام حقوقی هماهنگ، کارآمد و با ثبات هم باشد، باید همه‌ی ا حقوق متفرق را تضمین نماید، نه اینکه برای برآورده کردن یک حق، سایر حقوق را نادیده گیرد. در جریان جنگ علیه تروریسم، حقوق بشر چه سرنوشتی خواهد یافت؟ بی‌تردید هر شکلی از جنگ دامنه‌حمایتی حقوق بشر را دچار محدودیت می‌کند، به این دلیل که احترام نهادن به حقوق بشر چه از نگاه عملی و چه از دیدگاه نظریه‌پردازی در جریان جنگ ممکن نخواهد بود و رزمندگانی که در جریان جنگ اهداف مشروع تلقی می‌شوند و اشخاصی غیر نظامی که خواه سها یا تصادفاً مورد هدف قرار گیرند به جای آنکه قربانی جنگ محسوب شوند و کشتار آنها جنایتی به حساب آید، جزء خسارت‌های جانبی یا تبعی به حساب خواهند آمد. در جریان جنگ آنچه که مراعات می‌شود حداقل حقوق بشر است و مدل ۱۰‌های ترکیبی حقوق جنگ با دسته‌بندی دشمن در معنای رزمندگان نامشروع حقوقی به مراتب کمتر برای ضرورت نگاه حقوق بشری به وقایع جاری در جنگ علیه تروریسم و عملیات‌های ۱۱ آنها، در نظر می‌گیرند. ضد تروریستی در این است که قواعد مندرج در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر در حقوق ژنو به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای موجود باشد، لذا اعمال قواعد حقوق بشری نیز از اهمیت به‌سزایی در این راستا برای نظام مند کردن چنین جنگی خواهد داشت. {۶}

بخش اول: مبانی نظری

بند اول: مفهوم جنگ علیه تروریسم

در گفتار پیش رو به بررسی کلیات مرتبط با جنگ علیه تروریسم پرداخته خواهد شد؛ بررسی اینکه این مفهوم چگونه شکل گرفت و پس از اینکه به وجود آمد چگونه و تا چه حدودی توانست مناسبات مستقر میان قواعد حقوقی و واقعیت‌های اجتماعی کشورهایی که به طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر آن بودند را با تغییر و تحولات اساسی روبه‌رو کند. نتایج حاصله از فضایی جدیدی که در سایه‌ی این مفهوم شکل گرفت توانست قواعد اساسی و بنیادین حقوق بشری را با چالش‌هایی غیرمنتظره مواجه سازد. ابتدا پیشینه‌ی شکل‌گیری این مفهوم را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس رابطه‌ی حقوق بین‌الملل بطور کلی را با آن، واکاوی خواهیم نمود {۷}

بند دوم: پیشینه‌ی تاریخی شکل‌گیری مفهوم جنگ علیه تروریسم

برای آنکه تحلیل حقوقی از جنگ علیه تروریسم ارائه گردد ابتدا باید وقایع هولناک تروریستی ۱۱ سپتامبر را مورد بررسی قرار دهیم تا وضعیت حقوقی آن را تبیین نمائیم. در همین خصوص باید گفت که صرفنظر از هرآنچه در پس واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر منجر بدان گردید، هیچ یک از کارشناسان و صاحب‌نظران نظر به مشروعیت آن اقدامات نداشته و ندارند. اگرچه که با وجود وفاق نظر میان صاحب‌نظران در خصوص عدم مشروعیت اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر، واکنش ایالات متحده در قبال این اقدامات تروریستی از چنین پشتوانه‌ای برخوردار نیست و عقاید متفاوتی در این خصوص ارائه شده است. برای نمونه توسل ایالات متحده‌ی آمریکا به زور علیه رژیم طالبان در افغانستان و نحوه‌ی برخورد آنها با اسرا و زندانیان و شرایط نگهداری و رفتار با آنها در پایگاه نظامی گوانتانامو و نقاط دیگر، مسائل و مناقشات بسیاری را فراهم کرده است. مسئله‌ی غیر قابل انکار در خصوص فعالیت‌ها و عملیات‌های ضد تروریستی این است که سرنوشت برخی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حتی تا حدودی حقوق بین‌الملل کیفری به صورت غیر قابل بازگشتی متأثر از این واقعه شده است. در واقع این دکتترین و تلقی از دفاع مشروع هم در حوزه‌ی حق بر جنگ و هم حق در جنگ و هم مجموعه‌ی حقوق بشر تأثیری بسیار گذاشته است. در واقع پس از پی‌گرفتن عملیات‌های ضد تروریستی از سوی ایالات متحده و هم پیمانان آن، ارزش‌های حقوق بشری به حاشیه رانده شده است. علت عمده‌ی چنین پیامدی این بود که مسئله‌ی امنیت ملی و بین‌المللی با

حملات ۱۱ سپتامبر به نحو تکان دهنده ای دچار مخاطره شده بود. چنین نگاهی حتی به رویه ی تقنینی و قضایی این دولت ها نیز سرایت کرده است تا آنجا که در بسیاری از تفسیر ها و ارزیابی های حقوقی نیز نتایج حاصله به ضرر ارزش های حقوق بشری و به نفع باور های امنیت-محور مغلوب گردیده است. {۱۵} با وجود آنکه اصطلاح مبارزه علیه تروریسم بین المللی یا جنگ علیه تروریسم بارها و به گونه های مختلف در ادبیات حقوقی و سیاسی معاصر مورد اشاره قرار گرفته است اما مفهوم و مرز های مفهومی دقیق آن چندان روشن و شفاف نیست. دشمنانی که در این مبارزه ترسیم شده اند، طیف گسترده ای را همچون دولت های خودسر و دارای سلاح های با توان تخریب بالا گرفته تا سازمان های تروریستی و همین طور خود تروریسم را به طور کلی، در بر می گیرد. چنین تعبیری راه را برای مبارزه ای دامنه دار و مداوم و به همین نسبت تهدیدات امنیتی گسترده علیه کشور های مبدع این جنگ به خصوص برای ایالات متحده ی امریکا فراهم نموده است. {۱۶}

در همین راستا ابتدا باید به این نکته توجه نمود که آیا جنگ علیه تروریسم، واقعا یک جنگ در معنای سنتی آن هست یا خیر؟ تاریخ سیاسی نشان می دهد که واژه ی جنگ در بیشتر مواقع به صورت استعاره ی چون جنگ علیه فقر، بی سوادگی، جرایم و مواد مخدر و در حال حاضر تروریسم مورد استفاده قرار می گیرد. اما در معنای سنتی جنگ مقارن با توسل به قوای قهریه ی نظامی مسلح است. در خصوص القاعده نیز باید گفت که اقدامات خشونت طلبانه ی فراملی آنها که برای دست یافتن به اهداف سیاسی مشترک بین المللی صورت می گیرد، بسیار مخفیانه، سلسه وار، غیر متمرکز و پراکنده است که نمی توان مقابله با آنها معادل جنگ در مفهوم سنتی آن در نظر گرفت. اما با این احوال نباید غافل ماند که تحت لوای همین اصطلاح در کشور افغانستان و عراق جنگی با توسل به قوای نظامی در گرفت. برخلاف جنگ های که با مرکزیت اروپا با مرز های زمانی مشخص آغاز شده است که ابتدا و انتهای جنگ ها با توافق طرفین معلوم می شدند، این جنگها خصوصا در حوزه ی جنگ علیه تروریسم چندان مرز مشخصی نه برای آغاز و نه برای انجام شان متصور است، برای نمونه حمله به عراق که به از پای در آمدن رژیم بعثی صدام حسین انجامید به واسطه ی حمله های دسته و گریخته گروه های شورشی و تروریستی ادامه یافت. از دیگر ویژگی های جنگ سنتی که نمی توان نشانی از آن در جنگ علیه تروریسم مشاهده نمود، معیار هایی است که برای دستیابی به موفقیت به کار گرفته می شود. برای نمونه بیرون راندن آنها از یک سرزمین و تحمیل خرابی و آسیب به نیروها و تجهیزات

دشمن است، که چنین معیار هایی را نمی توان در نبرد علیه گروه های تروریستی مورد استفاده به همین این دلیل است که این گروه ها کمتر به اعمال موثر بر سرزمینی راغب بوده و از مقابله ی نظامی رو در رو نیز در بیشتر اوقات می گریزند قرار داد. {۱۸}

معیاری که جهت توفیق در جنگ علیه تروریسم معرفی می گردد، عدم حدوث مجدد این حوادث است. امری که نشانگر میزان موفقیت عملیات های ضد تروریستی برای ارباب علیه گروه های تروریستی استفاده می شود. اما از نقطه نظر تحلیلی چنین امری مقبول نیست، چرا که بعنوان نمونه این اقدامات منجر به خاتمه دادن حکومت طالبان در افغانستان شد و آسیب های جدی بر این گروه ها وارد آمد. ولی سازمان بین المللی مطالعات استراتژیک نشان می دهد که این گروه ها در حال بازسازی قوای خود بوده و در حوزه های دیگری همچنان فعال هستند. در واقع همین ویژگی مبارزه علیه تروریسم نشانگر این است که سهم اصلی مبارزه بیش از اینکه به قوای مسلح اختصاص داشته باشد از آن سازمان های اطلاعاتی و امنیتی است. به اختصار اینکه جنگ علیه تروریسم در بر دارنده ی عناصری است که برخی مرتبط با جنگ است در معنای سنتی آن و برخی دیگر ارتباطی با جنگ نمی یابد. در واقع این مفهوم آمیزه ای از عملیات های نظامی جنگی و عملیات های قوای مسلح در مواقع غیر جنگ است که با سازمان های مختلف دولتی غیر نظامی نیز ارتباط یافته است. مقابله ی با تروریسم جهانی به شکاری دنباله دار مشابهت دارد و با درک بیشتر مردم از مفهوم جنگ متفاوت است. لبه ی برنده ی تلاش های ضد تروریستی، فعالیت های امنیتی و اطلاعاتی است، خصوصا همکاری های بین المللی اطلاعاتی و کارهای پلیسی گسترده را در بر می گیرد. مسئله ی توسل به اقدامات تروریستی نشان دهنده ی فعالیت های خشونت طلبانه ی گروه هایی است که از نظر سیاسی چاره ای دیگر برای رسیدن به اهداف خود ندارند و از نظر نظامی نیز از توانایی چندانی برخوردار نیستند، در نتیجه امید چندانی به ناپیدی این مسئله هر چند در دراز مدت نمی توان داشت {۲۱}.

بخش دوم: تروریسم در ساحت حقوق بین الملل

تروریسم به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از اقدامات خشونت بار از سوی اشخاص یا گروه های قومی است تا بتوانند با ایجاد هراس در میان مخاطبان خود، به اهداف سیاسی و یا اجتماعی مورد نظر خود دست یابند. اگرچه که تعریف تروریسم همیشه از مناقشه بارتترین مباحث مندرج در حقوق بین الملل بوده است اما وجود عنصر اهداف سیاسی و اجتماعی مفهوم کلیدی در تعریف این مفهوم می

باشد {۲۲}. سازمان امنیت ملی امریکا نیز تروریسم را خشونت علیه مردم بی گناه می داند که با طرح و برنامه ی قبلی و با اهداف سیاسی صورت می گیرد. {۲۱}

قاضی هیگینز چنین تعبیری از تروریسم دارد: "تروریسم اصطلاحی است که فاقد معنای دقیق حقوقی است" {۲۴}. مطالعه ای که در سال ۱۹۹۸ در خصوص ارائه ی تعریف از تروریسم شد، ۱۰۹ تعریف متفاوت از تروریسم را برشمرد که حاوی ۲۲ عنصر معرف و متفاوت از هم بودند {۲۵}. در واقع بکارگیری چنین تعبیری نشان دهنده ی آن است که بهره گیری از واژه ی تروریسم در ادبیات حقوقی همیشه با سوء استفاده همراه بوده است. در حوزه ی حقوق بشر هم از این تعبیر استفاده می شود تا عدم بکارگیری از این اصطلاح توجیه گردد یا از وقوع اقدامات عملی که توأم با تضییق حقوق بشر می باشد جلوگیری به عمل آید. هیات بلند مرتبه ی کارشناسان سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۴ چنین تعریفی را برای تروریسم ارائه دادند.

بخش سوم: حقوق بشر قربانی جنگ علیه تروریسم

از زمان حملات ۱۱ سپتامبر به این سو، ایالات متحده با حمایت بسیاری از کشورها جنگی را علیه تروریسم آغاز کرده است. {۲۶} این «جنگ» تمام ثمرات حقوق بشری چند دهه گذشته و چارچوب حقوق بشر بین المللی را در معرض خطر قرار داده است. بعضی روشهای به کار گرفته شده در دستگیری و بازجویی از اشخاص مظنون، حقوق بشر بین المللی و هنجارهای بشردوستانه را به نام امنیت نقض می کند. در سراسر جهان، دولتهای بسیاری از پیکار ضد تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر برای حمله به مخالفان و پایمال شدن حقوق بشر استفاده کرده اند. عفو بین الملل و بسیاری دیگر از گروههای حقوق بشری مستندات بسیاری در این خصوص در اختیار دارند. {۲۷}

البته، همه اقدامات ضد تروریستی ۳۰ ماهه گذشته در معرض انتقاد نیستند. نمونه های بسیاری از اقدامات مشترک جهت اجرای قانون و جلوگیری از اقدامات تروریستی و سپردن اشخاص مظنون به دست عدالت در درون سرمشق حقوق بشر به چشم می خورد. اختصاص منابع بیشتر و توجه به این اقدامات در پرتو حملات گسترده به غیرنظامیان قابل درک است. دولتها از حاشیه صلاحدید وسیعی در شناسایی تهدیدات به منافع ملی یا بین المللی برخوردارند و حقوق بشر و حقوق بشردوستانه موجود چنین حاشیه صلاحدید را به رسمیت شناخته اند. {۲۸}

الف - سرمشق جنگ

در کانون چالش فعلی چارچوب حقوق بشر این مسئله مطرح است که آیا «جنگ علیه تروریسم» واقعاً یک جنگ است و اگر پاسخ مثبت باشد چه نوع جنگی است. تاکنون، یکی از ویژگی‌های «جنگ علیه تروریسم» عدم پذیرش اعمال مقررات حقوقی بر این جنگ است. یکی از اصول کلیدی چارچوب حقوق بشر آن است که هیچ «منطقه آزاد حقوق بشری» در جهان وجود ندارد و انسانها به‌صرف انسان بودنشان از یک سری حقوق بنیادین بشری برخوردارند. به‌علاوه، برخلاف تصویری که بسیاری در واشنگتن ترسیم می‌کنند هیچ شکافی میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که «جنگ علیه تروریسم» در حیطه آن قرار دارد و از محدودیت‌های حقوق بین‌الملل به دور است وجود ندارد. ذات حاکمیت قانون ایجاب می‌کند که اقدامات اجرایی به‌موجب قانون محدود شوند. عدم پذیرش این مطلب که حاکمیت قانون بر «جنگ علیه تروریسم» نیز اعمال می‌شود، تردید و تزلزل فوق‌العاده‌ای را موجب شده و حقوق فردی را در معرض زوال قرار داده است. {۲۹} به‌عنوان مثال، در آوریل ۲۰۰۳ ایالات متحده در پاسخ به سؤالات مطروحه از سوی گزارشگر مخصوص ملل متحد راجع به اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه یا بدون طی تشریفات اعلامیه حقوق بشر در خصوص قتل ۶ مرد در نوامبر ۲۰۰۲ که در پی شلیک یک موشک در یمن، اظهار داشت که این حمله در یک عملیات نظامی و علیه مبارزان دشمن صورت گرفته و لذا خارج از صلاحیت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و گزارشگر مخصوص آن است. {۳۰}

ایالات متحده این عملیات را با همکاری دولت یمن انجام داد. از این رو، این اقدام مثالی از یک عمل که آخرین راه چاره ممکن باشد نیست، زیرا گمان می‌رود که یک دولت تروریست‌های مظنون را پناه داده یا به آنها کمک کرده است. دستگیری اشخاص مظنون به برنامه‌ریزی اعمال مجرمانه یا دست داشتن در آن، خواه این اعمال «تروریستی» محسوب شود یا خیر، بخش اصلی در فرآیند اجرای قانون است، بخشی که معمولاً مشمول محدودیت‌های قوانین حقوق بشری بین‌المللی است. این محدودیت‌ها ایجاب می‌کند که دولتین ایالات متحده و یمن این افراد را دستگیر کرده و به‌موجب قوانین کیفری قابل اعمال محاکمه کنند. با تعریف «جنگ علیه تروریسم» به‌عنوان یک «جنگ»، ایالات متحده و دولت‌های حامی او حتی در شرایطی که حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اعمال است، به سادگی تضمین‌های حمایتی حقوق بشری را به کنار می‌نهند. ممکن است هر دولت دیگری که به دنبال سرکوب

مخالفان و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی بوده، یا هر شخصی را که با او مخالف است « تروریست » و یک تهدید نظامی مناسب در این « جنگ جهانی » قلمداد کند، این رویه را در پیش گیرد. محدوده جغرافیایی، ماهوی و زمانی « جنگ علیه تروریسم » نامعین و نامحدود است. جنگ علیه تروریسم به موازات دنیای قانونی که در آن پیروی از هنجارهای حقوقی یک مسئله اجرایی است یا خارج از ضرورت دیپلماتیک یا روابط بین‌المللی انجام می‌شود، جریان دارد. {۳۱} مفهوم تروریسم از این منظر هر عملی است که از سوی آغازکنندگان جنگ به‌عنوان تهدید تلقی شود. میدان جنگ بدون توجه به مرزها و حاکمیت‌ها، تمام سیاره زمین است. « جنگ علیه تروریسم » ممکن است دائماً تداوم داشته و مشخص نیست چه کسی باید پایان آن را اعلان کند. تضمین‌های حمایتی حقوق بشری هنگامی که با مقتضیات جنگ علیه تروریسم مغایرت دارند به کار نمی‌آید.

ب - زندانیان گوانتانامو

تداوم بازداشت بیش از ۶۰۰ تن از متهمان به ارتکاب اقدامات تروریستی در پایگاه نظامی در خلیج گوانتانامو کم‌کم به آشکارترین نمونه تهدید چارچوب حقوق بشر تبدیل می‌شود که جنگ علیه تروریسم مسبب آن است. {۳۲} بازداشت شدگان گوانتانامو در واقع به یک « منطقه آزاد حقوق بشری » یا یک « سیاهچاله قانونی » {۳۳} انتقال داده شده‌اند که تنها حائل میان آنها و اعمال قدرت اجرایی غیرقابل تجدیدنظر و خودسرانه، بازدیدهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. {۳۴}

زندانیان این زندان از دسترسی هر مرجع قانونی خارجند و لذا با آنها رفتاری می‌شود که زندانبانان با توجه به شرایط تشخیص می‌دهند. ایالات متحده اظهار می‌کند که با این زندانیان باید مطابق مقررات حقوق جنگ رفتار شود. با این وجود، حق استماع دعوا در محضر دادگاه صالح مطابق ماده ۵ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ جهت احراز اینکه آیا آنان زندانیان جنگی محسوب می‌شوند یا خیر، {۳۵} گویا اینکه صلیب سرخ بر این اعتقاد است که آنها زندانیان جنگی‌اند، از آنها دریغ شده است. به اعتقاد ایالات متحده مسلم است که آنها از « مبارزان دشمن » یا « دشمنان بیگانه » بوده و می‌توان آنها را در کمیسیونهای نظامی محاکمه کرد، خواه از سوی این کمیسیونها محکوم شده باشند یا خیر، و به‌صورت نامحدودی در بازداشت نگاه داشت. دستور نظامی ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱، یعنی دستور «بازداشت، نگهداری و محاکمه بعضی اتباع بیگانه در جنگ علیه تروریسم» بازداشت و محاکمه تروریستها را مجاز دانسته و متضمن تعریف وسیعی از «اشخاص مشمول این دستور است». {۳۶} مقامات ایالات

متحده ممکن است هر شخصی را که به اعتقاد آنان مشمول این تعریف باشد بازداشت و به « منطقه آزاد حقوق بشری» گوانتانامو انتقال دهند. در آنجا ایالات متحده تحت هیچ نظارت قضایی از سوی مراجع داخلی {۳۷} یا بین‌المللی نیست و با زندانیان به هر شکلی رفتار می‌شود تا وقتی که آنها محاکمه شده و آزاد شوند یا همچنان به صورت نامحدودی در این شرایط نگاهداری شوند. دستور نظامی فوق که تنها بر اتباع بیگانه اعمال می‌شود، منجر به ایجاد یک استاندارد دوگانه در خصوص رفتار با اتباع ایالات متحده که در فعالیتهای تروریستی نقش داشته‌اند و مستحق برخورداری از یک سری تشریفات حقوقی هستند و اتباع بیگانه که از این حقوق برخوردار نیستند می‌شود. {۳۸} دلیلی وجود ندارد که اتباع ایالات متحده در فعالیتهای تروریستی شرکت نکنند. در واقع تا پیش از ۱۱ سپتامبر، بدترین عملیات تروریستی در خاک ایالات متحده در اکلاه‌ماسیتی و توسط شهروند آمریکایی به نام تیموتی مک‌وی انجام شده بود. این ایده که اتباع بیگانه مستحق برخورداری از استانداردهای بین‌المللی محاکمه منصفانه نیستند چون یک مشت تروریست‌های بی‌ارزشند، با هنجارهای ضد تبعیض بین‌المللی و محاکمه منصفانه و همچنین با اماره براءت مغایرت دارد. محاکمه در کمیسیونهای نظامی که پس از دستور نظامی نوامبر ۲۰۰۱ تشکیل شدند، فاقد تضمین‌های بین‌المللی محاکمه منصفانه یا یک سیستم قضایی مستقل است. در واقع، به نظر می‌رسد میان این کمیسیونها و دادگاههای نظامی که جامعه بین‌المللی در موارد بسیاری از آنها به دلیل نقض استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی انتقاد کرد، تفاوتی وجود ندارد. {۳۹} امکان صدور مجازات مرگ از سوی این کمیسیونهای نظامی به‌ویژه در پرتو گامهای بلندی که جامعه بین‌المللی در راستای لغو مجازات اعدام در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (رم) و دیگر اسناد حتی برای بزرگ‌ترین جرایم برداشته است، هدف حقوق بشری لغو این مجازات را تضعیف می‌کند. [همچنین] با توجه به اینکه در بسیاری از کشورها لغو مجازات اعدام یک مسئله حقوق بشری مهم است، این کمیسیونها مانع همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم می‌شوند. {۴۰}

شرایطی که زندانیان در آن نگهداری می‌شوند نیز نگرانی‌های جدی حقوق بشری را برانگیخته است. تاریخ نشان داده است که ممنوع‌الملاقات بودن و بازداشت مخفی اغلب به شکنجه و دیگر اشکال سوءرفتار می‌انجامد. اکنون شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شرایط زندان گوانتانامو که هیچ مرجع نظارتی بیرونی بر آن وجود ندارد، ناقض استانداردهای بین‌المللی است. براساس گزارشهای رسیده از سوی زندانیان آزاد شده، از زندانیان مکرراً بازجویی شده و آنها تحت روشهایی قرار

می‌گیرند که هدف آن خرد کردن و تحقیر آنهاست. از جمله این روشها نگاه داشتن در محیطی پرنور به مدت ۲۴ ساعت، محرومیت از خواب و ایستاده نگاهداشتن به مدت طولانی است. زندانیان همچنین در قفس‌های تنگ و سلولهای کوچک نگهداری می‌شوند و از ورزش کافی بی‌بهره‌اند، امری که نقض هنجارهای بنیادین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه است. {۴۱} این حقیقت که این زندانیان خارج از هرگونه چارچوب حقوقی مشخص و معینی هستند، تأثیری منفی بر وضعیت روانی آنها داشته است؛ {۴۲} تعیین وضعیت یک زندانی در دادرسی عادلانه و مهیا کردن شرایط انسانی برای زندانیان از هنجارهای بنیادین حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بشردوستانه است. {۴۳}

در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، ممنوعیت مطلق شکنجه نیز مورد تردید قرار گرفته است، اما هیچ دلیل منطقی برای تردید در این ممنوعیت وجود ندارد. آیا می‌توان این روش را تنها برای آنهایی که ممکن است از وجود یک سلول تروریستی مخفی که به دنبال استفاده از سلاحهای کشتار جمعی است مطلع‌اند به کار برد؟ یقیناً این منطقی، ممنوعیت مطلق شکنجه که پس از دهه‌ها تلاش فعالان حقوق بشری حاصل شده است - اگرچه این امر همیشه و مستمراً رعایت نشده است - را سست می‌کند. همچنین معلوم نیست که اگر اجازه دهیم شکنجه در بعضی موارد استفاده شود جهان از حملات تروریستی ایمنی می‌یابد. موارد بسیار دیگری از شرایط زندان گوانتانامو، به‌ویژه پس از افشاگریهای اخیر در خصوص سوءاستفاده گسترده از زندانیان در عراق و دیگر جاها، قابل ذکر است. اما باید توجه داشت که چالش مهم این وضعیت‌ها برای چارچوب حقوق بشر آن است که زندانیان فاقد هرگونه حمایت قانونی یا نظارت قضایی یا بین‌المللی هستند. اگرچه به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اجازه داده شده است با زندانیان ملاقات کند، اما ایالات متحده نمی‌پذیرد که اینها زندانیان جنگی‌اند یا از حمایت کامل حقوق بشردوستانه یا قواعد حقوق بشری برخوردارند. ایالات متحده این زندانیان را « مبارزان دشمن » نامیده است، {۴۴} اما این عنوان رافع این ضابطه که وضعیت هر زندانی بایستی توسط یک دادگاه صالح مورد بررسی قرار گیرد، نیست. حقوق بشردوستانه ایجاب می‌کند که این بررسی توسط دادگاه و به‌موجب آیین‌هایی که رفتار عادلانه را تضمین کرده و از زندانیان آسیب‌پذیر حمایت و قدرت مرجع بازداشت‌کننده را محدود می‌کند، انجام شود. {۴۵} اما در این قضیه، زندانیان همچون ۶ مردی که در یمن کشته شدند، تنها تحت صلاحیت یک قدرت اجرایی نامحدودند.

ج - مسئله تبعیض

یکی از ویژگی‌های «جنگ علیه تروریسم» تاکنون این بوده که اقلیتها بیشترین هزینه اقدامات ضدتروریستی را که علی‌الظاهر برای تضمین امنیت کل جامعه انجام شده است، پرداخت کرده‌اند. چنین تبعیضی نه تنها منصفانه نیست، بلکه برای اقدامات امنیتی مشروع نیز مخرب است. در این بخش، همچنان تمرکز ما بر نمونه‌هایی از ایالات متحده است، اگرچه نمونه‌هایی از دیگر کشورها هم قابل ذکر است. پس از ۱۱ سپتامبر، هزاران تن از اتباع کشورهای عربی و اسلامی در ایالات متحده به شکل گسترده‌ای از بازداشت پیشگیرانه دستگیر و زندانی شدند. این بازداشتها به صورت محرمانه انجام می‌شد و معمولاً دولت با صدور قرار وثیقه برای این زندانیان مخالفت می‌کرد. بازداشت‌شدگان در وضعیتی بسیار سخت و همراه با مجرمان کیفری نگهداری می‌شدند. تماس آنها با خانواده‌ها و وکلایشان بشدت محدود بود. گزارشهای تحقیق و تفحص دولت نشان می‌دهد که حقوق این افراد در طی این دوره به صورت گسترده‌ای نقض شده است. علاوه بر این افراد که بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر بازداشت شدند، دولت به دستگیری و بازداشت اشخاص دیگری از ملیتهای مختلف نیز ادامه داد. همچنین دولت یک برنامه ثبت‌نام ویژه‌ای را که محدود به اتباع بعضی کشورها بود آغاز و به فعالیتهای دیگری که در واقع تهیه تاریخچه نژادی بود اقدام کرد و بدین طریق حس خشم و انزوا در این اشخاص را تقویت کرد. تقریباً همه بازداشت‌شدگان به دلیل نقض‌های کوچک مقررات مهاجرتی که در شرایط عادی موجب بازداشت یا اخراج نمی‌شد محکوم شدند. یکی از مفسران اظهار می‌کند که تنها ۳ تن از حدود ۵۰۰۰ نفر غیراتباع بازداشت‌شده در این مرحله متهم به جرایم تروریستی شدند که این خود نشانگر ناکارآمدی چنین استراتژی‌هایی است. در نتیجه، این اقدامات زندگی را برای بسیاری از غیراتباع مقیم در ایالت متحده دشوار می‌کند. {۴۶}

این گونه تجاوزات به جوامع مهاجران تنها بخشی از « خسارت جنبی » جنگ علیه تروریسم است. هنجارهای بین‌المللی آشکارا تبعیض براساس نژاد، ملیت یا مذهب را منع می‌کنند. همه روزه خسارات بسیاری به واسطه تبعیض به ساختار اجتماعی جوامع ما وارد می‌آید. دولت با تحت فشار قرار گذاشتن جوامع مهاجران، طرد و تبعیض را که قواعد حقوق بشری برای حذف آن بسیار تلاش کرده‌اند تقویت می‌کند و در نتیجه ایجاد تفاهم و همکاری بین جوامع در جنگ علیه تروریسم را مشکل‌تر می‌سازد. ایالات متحده در استفاده از اختیارات ضدتروریستی جدید علیه گروههای اقلیت

غیراتباع، تنها نیست. قوانین ضد تروریستی در انگلستان نیز اتباع بیگانه را هدف قرار داده‌اند، لذا در صورتی که اتباع بریتانیایی مظنون به اقدامات تروریستی باشند از حمایت کامل قانونی برخوردارند. این در حالی است که اتباع بیگانه را می‌توان به صورت نامحدود و بدون محاکمه یا اتهام در بازداشت نگاه داشت.

بخش چهارم: پاسخ به تروریسم در قالب حقوق بشر

برای پاسخ به تروریسم [وجود] یک چارچوب حقوق بشری ضروری است. جامعه بین‌المللی اکثراً در برخورد با وقایع ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن بر این نکته تأکید داشته که پاسخ به تروریسم باید در چارچوب استانداردهای اساسی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل صورت گیرد. به عنوان مثال شورای امنیت در قطعنامه ۱۴۶۵ (۲۰۰۳) خویش بر این نکته تأکید کرد که هرگونه تدبیر اتخاذ شده برای مبارزه با تروریسم باید با رعایت تعهدات بین‌المللی و «به ویژه قواعد حقوق بشر بین‌المللی، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه انجام شود». سؤال این است که آیا این هنجارها واقعاً بر رفتار دولتها حاکم خواهد بود و اگر این گونه نباشد جامعه بین‌المللی چه واکنشی نشان خواهد داد. زندانیان گوانتانامو با همکاری فعالانه بسیاری از دولتها و فقدان یک واکنش مناسب از سوی جامعه بین‌المللی اکنون در یک «منطقه آزاد حقوق بشری» به سر می‌برند. برای جبران این ضربه به چارچوب حقوق بشر هنوز دیر نشده است.

الف - حق بر امنیت

در کانون هر گونه اقدام ضد تروریستی شناسایی [این حقیقت مستتر است] که همه افراد بشری از حق بر امنیت و حیات برخوردارند. همه دولتها در احترام، تضمین و تحقق این حقوق مسئولیت دارند و در این راستا بایستی استراتژیهای مؤثری را برای پیشگیری و مجازات اقدامات کشتار جمعی و تخریب به کار بندند. هیچ مدافع حقوق بشری منکر این مسئولیت نمی‌شود. چارچوب حقوق بشر بر شناسایی این حقوق مبتنی است اما حق بر امنیت باید در چارچوب حمایت‌های حقوق بشری تحقق یابد و نه به قیمت نادیده گرفتن حقوق بشر. همانطور که دولت باید از نقض حقوق بشر در درون قلمرو خویش جلوگیری کند خواه مقامات دولتی این اعمال را مرتکب شده باشند خواه بازیگران غیردولتی، او باید از آنها بی‌نیاز که در قلمرو او زندگی می‌کنند در برابر «تروریسم» حمایت کند. شناسایی وجود و الزام هنجارهای بنیادین حقوق بشری به این معنی نیست که جامعه بین‌المللی با اولویت دادن به حقوق فردی نسبت به نیازهای امنیتی فوری پیمان خودکشی جمعی را امضاء کرده باشد. اگر «جنگ علیه تروریسم»

به این معنی باشد که منابعی برای مقابله با این قبیل تهدیدات فوری اختصاص داده شوند، باید به هنجارهای بنیادین حقوق بشری احترام گذارده شود. هدف این مقاله آن نیست که مشکلی را با استفاده لفظی از واژه « جنگ » عیان کند بلکه به دنبال آن است که با تبدیل حرف به یک سیاست و در نتیجه تغییر رژیم حقوق بین‌المللی مخالفت کند. حق بر امنیت چه در تئوری و چه در واقعیت [حق] مطلق نیست و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند کاملاً از شر آنهایی که برای نیل به مقاصدشان از خشونت استفاده می‌کنند دور بماند. همیشه این نیاز وجود دارد که میان آزادی و امنیت تعادلی برقرار شود. در واقع، توسعه و اجرای استانداردهای حقوق بشری و حقوق بشردوستانه همیشه نسبت به این تعادل حساس بوده است. اینها سؤالات جدیدی نیستند. همیشه تهدیدات خشونت‌آمیزی همچون خشونت‌هایی که به مرگ هزاران تن از غیرنظامیان می‌انجامد وجود داشته است و در ۶۰ سال گذشته چارچوب حقوق بشری مانعی در مقابل اقدامات مشروع دولتی که جهت برخورد با این تهدیدات و اعمال اتخاذ شده‌اند نبوده است. در واقع، چارچوب حقوق بشر فعلی برآمده از تجربیات ویرانگری است که جوامع بر اثر نادیده گرفتن آسان حقوق بشر در جنگ علیه تروریسم، مقابله با تجزیه‌طلبی یا هر عنوان دیگری که بر آن تهدید نهاده شود کسب کرده‌اند. دولتها با به کار بردن این واژگان توانسته‌اند شکنجه و قتل سیاسی را توجیه کنند. در دنیای امروز تعداد انسانهایی که به دلیل قصور دولتها در رعایت استانداردهای حقوق بشری باید فقدان عزیزان خویش یا درد و رنج شخصی را تحمل کنند نسبت به آنهایی که قربانیان حملات تروریستی‌اند بیشتر است. منظور نویسنده آن نیست که درد و رنجی را بر دیگری اولویت بخشد یا هر گونه تلاشی برای پایان بخشیدن به حملات تروریستی را بی‌ارزش و بی‌مقدار تلقی کند. منظور این است که هنگامی که نظام حمایت‌های حقوق بشری در جنگ علیه تروریسم مغفول واقع شده و به کناری نهاده شود، خطرات جدی در پی دارد... {۴۷}

ب - یک چارچوب حقوق بشری بر جنگ علیه تروریسم تأثیر نمی‌گذارد

در ساخت عبارت « جنگ علیه تروریسم » این مفهوم مستتر است که چارچوب حقوق بشر بین‌المللی ضرورتاً جنگ علیه تروریسم را پیچیده خواهد کرد. در عین حال چارچوب حقوق بشری موجود بر تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته برای مبارزه با تروریسم تأثیر نمی‌گذارد. در واقع، تصور حصول همکاری بین‌المللی در جنگ علیه تروریسم بدون رعایت حاکمیت قانون مشکل است. قواعد حقوق بشر بین‌المللی [موجود] مانع دولتها در وضع قوانین متضمن مجازات‌های کیفری بر آنهایی که در

برنامه‌ریزی و انجام کشتار جمعی و تخریب نقش دارند نیست. در واقع، بسیاری از دولتها از مدتها قبل چنین قوانینی را تصویب کرده‌اند. اما دولتها نمی‌توانند قوانینی را تصویب کنند که آزادی بیان، مذهب و دیگر آزادیها را نقض کرده یا آنقدر مبهم باشند که امکان سوءاستفاده از آنها وجود داشته باشد. قوانین ضد تروریستی در این محدوده قابل تدوین است. بعضی قوانین ضد تروریستی که پس از ۱۱ سپتامبر وضع شده‌اند نگرانی‌هایی را برانگیخته‌اند، اما قلمروی قانونگذاری برای وضع قوانینی برای اعمال ضد تروریستی گسترده است. حتی اگر بپذیریم که بازداشت‌شدگان مشمول حمایت‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی نیستند، {۴۸} چارچوب حقوق بشر بین‌المللی ایجاب می‌کند که آنها باید به اتهام یک جرم مشخص محاکمه شده و از تضمین‌های پذیرفته شده بین‌المللی برای یک محاکمه منصفانه بهره‌مند گردند. ایالات متحده در رعایت این ضوابط در پاسخ به انفجار مرکز تجارت جهانی با مشکلی مواجه نبود {۴۹} و می‌توانست نشان دهد که دولتها می‌توانند مطابق سیستم‌های حقوقی خویش آیین‌های ویژه‌ای را برای طرح و بررسی شواهد محرمانه و حساس در چنین محاکماتی به کار بندند. در بسیاری از کشورها افراد مظنون به شرکت در اقدامات تروریستی در محاکم عادی و به موجب آیین‌هایی که با استانداردهای بین‌المللی سازگار است یا حداقل مغایرتی با آنها ندارند مورد محاکمه قرار گرفتند. بایستی همکاری فزاینده‌ای در هر سطح از دولت در درون چارچوب حقوق بشری وجود داشته باشد. بسیاری از استانداردهای حقوق بشری همچون ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً وضع محدودیت‌هایی را بر اساس مقتضیات امنیت و نظم عمومی به رسمیت می‌شناسند. مجموعه گسترده‌ای از رویه قضایی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در وضعیت‌های بسیار گوناگون در خصوص ایجاد تعادل بین آزادی و امنیت وجود دارد. این استانداردها بایستی رعایت و اجرا گردند و نه اینکه مغفول واقع شوند. قواعد حقوق بشر بین‌المللی همچنین صراحتاً می‌پذیرد که وضعیت‌های اضطراری وجود دارند که در آن بعضی تضمین‌های حقوق بشری بین‌المللی در طی دوره بحرانی قابل تعلیق است. {۵۰} به عنوان مثال ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی تخطی از تعهدات ناشی از میثاق در شرایط «اضطراری عمومی» که رسماً اعلام شده و «حیات ملت را تهدید می‌کند» را می‌پذیرد. این اعلامیه باید از طریق دبیرکل به سایر طرفهای متعاقد ابلاغ شود. تخطی در این موارد تنها باید تا اندازه‌ای باشد «که ضرورت آن وضعیت ایجاب می‌کند» و نباید موجب تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا دیگر منشأهای اجتماعی شده و با دیگر تعهدات حقوق بین‌الملل مغایر باشد. اگرچه دولت بوش از ۱۱ سپتامبر به بعد از لفظ امنیت ملی برای توجیه

بازداشت هزاران مهاجر عرب در ایالات متحده به دلیل تخلفات مهاجرتی کوچک استفاده کرده است، اما تاکنون اعلامیه وضعیت اضطراری به موجب ماده ۴ فوق را به دبیر کل تسلیم نکرده است. به علاوه، تعهداتی وجود دارند (همچون حق حیات، منع شکنجه و دیگر مجازاتهای وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز) که غیرقابل تخطی‌اند. علاوه بر این، حقوق صراحتاً غیرقابل تخطی کمیته حقوق بشر تعهد رفتار انسانی با زندانیان؛ منع محرومیت خودسرانه آزادی اشخاص و اماره برائت را از قواعد امره حقوق بین‌الملل دانسته است. این قواعد جدید آنچه را که در وضعیت بحران می‌توان انجام داد محدودتر می‌کند. {۵۱} مراجع حقوق بشری بین‌المللی به‌ویژه مراجع حقوق بشری منطقه‌ای در رسیدگی به قضایایی که در ارتباط حملات تروریستی ادعایی یا گروه‌های تروریستی مطرح شده‌اند تجربه بسیاری دارند. {۵۲} چارچوب حقوق بشر بین‌المللی با تصور امکان وقوع بحرانی که حیات ملت را تهدید می‌کند شکل گرفت. هیچ دلیلی برای کنار گذاشتن این نظام خواه به دلیل وقایع ۱۱ سپتامبر و خواه تهدید حملات مشابه وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

امنیت حقیقی بستگی به این دارد که همه جمعیت جهان در سیستم بین‌المللی نقش داشته و بدون توجه به نژاد، جنسیت، مذهب، یا هرگونه وضعیت دیگر از حقوق بنیادین که اعلامیه جهانی حقوق بشر وعده داده است بهره‌مند گردند. «جنگ علیه تروریسم» با بی‌توجهی به دیگر دلایل عدم امنیت انسانی با تضعیف این چشمانداز، هنجارهای حقوق بشری که امنیت انسانی برای همه افراد بشر را وعده می‌دهند را مورد تهدید قرار می‌دهد. خطر تروریسم واقعی است و نمیتوان به آن بی‌توجه بود اما نباید موجب شود که دولت‌ها از دیگر خطراتی که به همان اندازه جنگ علیه تروریسم اهمیت دارند غافل شوند. این مقاله علمی به تمامی جنبه‌های موجود در این حوزه نپرداخته است. البته مسائل چالش‌ها و موفقیت‌های بسیار دیگری نیز وجود داشته است که در اینجا از آنها ذکر می‌نماید. در عین اصرار بر رعایت استانداردهای حقوق بشری و حقوق بشردوستانه موجود در «جنگ علیه تروریسم» و اعلام هشدار در خصوص شیوه این جنگ، نباید از خطرات شبکه‌های بین‌المللی و از اشخاصی که تمایل دارند به اعمال کشتار جمعی دست زنند غافل شد. همچنین منظور آن نبوده است که هر گونه تغییر در ساختار هنجاری موجود نادرست است. فرصت‌هایی برای رویکردهای چندجانبه و مبتنی بر همکاری برای حل این چالش وجود دارد، با گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای دربرگرفتن محدوده

وسیع‌تری از حملات به غیرنظامیان تحول مثبتی است که با حاکمیت قانون نیز کاملاً سازگار است اما مهم‌ترین نگرانی خطر جدی است که از ناحیه شیوه فعلی « جنگ علیه تروریسم » به حاکمیت قانون و اعتبار استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه وارد می‌آید. نیازی نیست که « جنگ علیه تروریسم » این‌گونه انجام شود. استانداردهای موجود می‌توانند با لحاظ کردن واقعیت‌های جدید و بدون غفلت از اصول بنیادین حقوق بشر، تعادلی مناسب میان آزادی و امنیت ایجاد کنند. بی‌توجهی به این اصول در مواجهه با تهدیدات تروریستی در جنگ علیه تروریسم نه تنها تأثیر عکس خواهد داشت بلکه به مرتکبان اقداماتی همچون حملات ۱۱ سپتامبر و ۱۱ مارس پیروزی غیرمنصفانه‌ای اعطا می‌کند.



منابع و مآخذ (پی‌نوشت‌ها)

۱. GEORGE W.BUSH, ADDRESS TO A JOINT SESSION OF CONGRESS AND THE AMERICAN PEOPLE, 20 SEPTEMBER 2001.
۲. JEAN BETHKE.ELSHTAIN, 'HOW TO FIGHT A JUST WAR', IN KEN BOOTH AND TIM DUNNE (EDS), WORLDS IN COLLISION: TERROR AND THE FUTURE OF GLOBAL ORDER (BASINGSTOKE: PALGRAVE MACMILLAN, 2002), PP.263-9.
۳. IN THE NAME OF COUNTER-TERRORISM: HUMAN RIGHTS ABUSES WORLDWIDE A HUMAN RIGHTS WATCH BRIEFING PAPER FOR THE 59TH SESSION OF THE UNITED NATIONS COMMISSION ON HUMAN RIGHTS, NEW YORK, MARCH 25, 2003.
۴. LAWRENCE AZUBUIKE, "STATUS OF TALIBAN AND AL QAEDA SOLDIERS: ANOTHER VIEWPOINT", 19 CONN.J.INT'L L. 127, 136, 2003.
۵. CHRISTINE GRAY, INTERNATIONAL LAW AND THE USE OF FORCE, 164, 2D ED. 2004.
۶. MARK A. DRUMBL, VICTIMHOOD IN OUR NEIGHBORHOOD: TERRORIST CRIME, TALIBAN GUILT, AND THE ASYMMETRIES OF THE INTERNATIONAL LEGAL ORDER, 81 N.C.L.REV. 1, 5 (2002).
۷. N. STRATTON, TAKING TERRORISTS TO COURT: A PRACTICAL EVALUATION OF CIVIL SUITS AGAINST TERRORISTS UNDER THE ANTI-TERRORISM ACT, 9 SUFFOLK J. TRIAL & APP. ADVOCATE 27, 2004.
۸. J. WALDRON, "SECURITY AND LIBERTY: THE IMAGE OF BALANCE", THE JOURNAL OF POLITICAL PHILOSOPHY, 11(2) 2003, P. 191.
۹. JULIAN NIDA-RUEMELIN, "JUSTICE AND PEACE", WORLD ENCYCLOPEDIA OF PEACE, NY: OCEANA PUBLICATIONS INC., 1999, P. 144.
۱۰. COLLATERAL DAMAGE
۱۱. LUBAN, DAVID, "THE WAR ON TERROR AND THE END OF HUMAN RIGHTS", IN: MAY, LARRY, ED. AL., THE MORALITY OF WAR: CLASSICAL AND CONTEMPORARY READINGS, NEW JERSEY, PEARSON, 2002, P. 418-419.
۱۲. ALISHA CROVETTO, INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS, HUMANITARIAN LAW, AND GUANTANAMO BAY: CALLING FOR AN END TO INDEFINITE DETENTION, WASHINGTON DC, GEORGETOWN UNIVERSITY, GEORGETOWN COLLEGE, APRIL 2010. P. 5.

۱۳. عالی پور، حسن، توازن میان امنیت ملی و آزادی‌های فردی در مقابله با جرایم تروریستی،

رساله‌ی دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

۱۴. ۱۴ برای نمونه ر.ک به: عبد الهی، محسن، حقوق و قواعد قابل اعمال در مبارزه با تروریسم، پایان نامه ی دوره ی دکتری دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ی و همین طور عالی پور، حسن، توازن میان امنیت ملی و آزادی های فردی در مقابله با جرایم تروریستی، رساله ی دکتری، - حقوق، ۱۳۸۴-۱۳۸۵. دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. GREENWOOD, CHRISTOPHER, "INTERNATIONAL LAW AND THE WAR AGAINST TERRORISM", INTERNATIONAL AFFAIRS 78:2, 2002, PP.1-3.
۱۶. RECORD, JEFFREY, BOUNDING THE GLOBAL WAR ON TERRORISM, STRATEGIC STUDIES INSTITUTE, U.S. ARMY WAR COLLEGE, DES. 2003. P.1.
۱۷. IBID., PP.3-4.
۱۸. HOFFMAN, BRUCE, "DEFINING TERRORISM," IN RUSSELL D. HOWARD AND REID, L. SAWYER, EDS., TERRORISM AND COUNTERTERRORISM: UNDERSTANDING THE NEW SECURITY ENVIRONMENT, GUILFORD, CT: MCGRAW-HILL/DUSHKIN, 2003, P.22.
۱۹. INTERNATIONAL INSTITUTE FOR STRATEGIC STUDIES "AN EVALUATION AND FORECAST OF WORLD AFFAIRS", STRATEGIC SURVEY 2002/2003, LONDON, 2003, PP.9, 10.
۲۰. COLIN S. GRAY, MAINTAINING EFFECTIVE DETERRENCE, CARLISLE, PA: STRATEGIC STUDIES INSTITUTE, U.S. ARMY WAR COLLEGE, 2003, P.5.
۲۱. IBID., P.2.
۲۲. WALTER ENDERS AND TODD SANDLER, "AFTER 9/11: IS IT ALL DIFFERENT NOW?", THE POLITICAL ECONOMY OF TRANSNATIONAL TERRORISM, VOL.49, NO.2, APR., 2005, PP.259-277.
۲۳. GEORGE W. BUSH, THE NATIONAL SECURITY STRATEGY OF THE UNITED STATES OF AMERICA, WASHINGTON, DC: THE WHITE HOUSE, SEPTEMBER 2002, P.5.
۲۴. HIGGINS, ROSALYN, THE GENERAL INTERNATIONAL LAW OF TERRORISM, IN TERRORISM AND INTERNATIONAL LAW 13, 28, ROSALYN HIGGINS & MAURICE FLORY EDS., 1997.
۲۵. ALEX P. SCHMID, ALBERT J. JONGMAN, ET AL., POLITICAL TERRORISM: A NEW GUIDE TO ACTORS, AUTHORS, CONCEPTS, DATA BASES, THEORIES, AND LITERATURE, NEW BRUNSWICK, NJ: TRANSACTION BOOKS, 1988, PP.5-
۲۶. "HUMAN RIGHTS QUARTERLY," VOL.26, NO.4, NOV.2004, PP.932-955.
۲۷. HUMAN RIGHTS WATCH, IN THE NAME OF COUNTER-TERRORISM: HUMAN RIGHTS ABUSES WORLDWIDE: A HUMAN RIGHTS WATCH BRIEFING PAPER FOR THE 59TH SESSION OF THE UNITED NATIONS COMMISSION ON HUMAN RIGHTS 10-11 (2003), AVAILABLE AT WWW.HRW.ORG/UN/CHR59/COUNTER-TERRORISM-BCK.PDF.

۲۸. TERRORISM AND HUMAN RIGHTS: PRELIMINARY REPORT PREPARED BY MS.KALLIOPI K.KOUFA, SPECIAL RAPPORTEUR, U.N.DOC.E/CN.4/SUB.2/1999/27(1999), AVAILABLE AT WWW.UN.ORG/DOCUMENTS/ ECOSOC/CN4/SUB2/E-CN4SUB2_99_27.PDF.
۲۹. TERRORISM AND HUMAN RIGHTS: PROGRESS REPORT PREPARED BY MS.KALLIOPI K.KOUFA, SPECIAL ROPPORTEUR, U.N.DOC.E/CN.4/SUB.2/2000/31 (2001), AVAILABLE AT WWW.UN.ORG/DOCUMENTS/ ECOSOC/CN4/SUB2/E-CN4 SUB2_01_31.PDF.
۳۰. CONFERENCE, INTERNATIONAL PEACE ACADEMY, HUMAN RIGHTS, THE UNITED NATIONS AND THE STRUGGLE AGAINST TERRORISM (7 NOV.2003), AVAILABLE AT WWW.IPACADEMY.ORG/EVENTS/NOV_7_2003.HTM
۳۱. LAWYERS COMMITTEE FOR HUMAN RIGHTS (NOW HUMAN RIGHTS FIRST), AVAILABLE AT WWW.1CHR.ORG,
۳۲. TERRORISM AND HUMAN RIGHTS, PRELIMINARY REPORT, SUPRA NOTE 7, PP.21-8.
۳۳. CHRISTINE CHINLUND, WHO SHOULD WEAR THE TERRORIST LABEL? BOSTON GLOBE, 8 SEPT.2003, AT A15, AVAILABLE AT WWW.BOSTON.COM/NEWS/GLOBE/EDITORIAL_OPINION/EDITORIALS/ARTICLES/2003/09/08 /WHO-SHOULD-WEAR-THE-TERRORIST-LABEL./
۳۴. ABRAHAM SOFAER, THE RATIONALE FOR THE UNITED STATES DECISION NOT TO RATIFY 82 ,AM.J.INT""L L., 784-785 (1988).
۳۵. PATRICK ROBINSON, THE MISSING CRIMES, IN THE ROME STATUTE FOR AN INTERNATIONAL CRIMINAL COURT 510-21 (ANTONIO CASSESE ET AL, EDS., 2002
۳۶. SPANISH JUDGE CHARGES 5 MORE FOR TIES TO QAEDA, N.Y.TIMES, 21 APRIL 2004, AT A12.
۳۷. AMNESTY INTERNATIONAL, RIGHTS AT RISK: AMNESTY INTERNATIONAL""S CONCERNS REGARDING SECURITY LEGISLATION AND LAW ENFORCEMENT MEASURES (2002).
۳۸. AMNESTY INTERNATIONAL, UNITED STATES OF AMERICA; THE THREAT OF A BAD EXAMPLE :UNDERMINING INTERNATIONAL STANDARDS AS WAR ON TERROR DETENTIONS CONTINUE (2003 ,(AMR/51/114/2003, AVAILABLE AT WEB.AMNESTY.ORG/LIBRARY/INDEX/ENGAMR511142003); SE E ALSO AMNESTY INTERNATIONAL, UNITED STATES OF AMERICA: RESTORING THE RULE OF LAW: THE RIGHT OF GUANTANAMO DETAINEES TO JUDICIAL REVIEW OF THE LAWFULNESS OF THEIR DETENTION (2004), AMR 51/0931/2004, AVAILABLE AT WEB.AMNESTY.ORG/LIBRARY/INDEX/ENGAMR510932004?OPEN&OF =ENG-USA.

۳۹. JOAN FITZPATRICK, SOVEREIGNTY, TERRITORIALITY, AND THE RULE OF LAW, 25 HASTINGS INT'L & COMPL.L.REV.303 (2002), RESTORING THE RULE OF LAW ,SUPRA NOTE 18.

۴۰. CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, INCLUDING THE QUESTIONS OF: DISAPPEARANCES AND SUMMARY EXECUTIONS, U.N.DOC.E/CN.4/2003/G/80 (2003),

۴۱. HUMAN RIGHTS FIRST, ENDING SECRET DETENTIONS (2004), AVAILABLE AT WWW.HUMANRIGHTSFIRST.ORG/ US_LAW/PDF/ENDINGSECRETDETENTIONS_WEB.PDF.

۴۲. THE QUEEN ON THE APPLICATION OF ABBASI AND ANOTHER V.SECY OF STATE FOR FOREIGN AND COMMONWEALTH AFFAIRS, EWCA CIV 1598, 64 (U.K.) SUP CT.JUDICATURE) ,C.A.) (6 NOV.2002), AVAILABLE AT WWW.COURTSERVICE.GOV.UK/JUDGMENTSFILES/J1354/ABBASI_JUDGMENT.H TM.

۴۳. AMNESTY INTERNATIONAL, UNITED STATES OF AMERICA: MEMORANDUM TO THE US GOVERNMENT ON THE RIGHTS OF PEOPLE IN US CUSTODY IN AFGHANISTAN AND GUANTANAMO BAY (2002), AMR 51/053/2002, AVAILABLE AT WEB.AMNESTY.ORG/LIBRARY/INDEX/ENGAMR510532002.SEE ALSO RESTORING THE RULE OF LAW, SUPRA NOTE 18.FOR A RECENT EXAMINATION OF THE LEGAL ISSUES SURROUNDING THE DETENTION IN GUANTANAMO, SEE DIANNE MARIE AMANN, GUANTANAMO, 42 COLUM.J.TRANSNATIONAL L.263 (2004)

۴۴. HAMD V.RUMSFELD, 124 S.CT.2633 (2004); RUMSFELD V.PADILLA, 124 S.CT 2711. (2004)

۴۵. HUMAN RIGHTS WATCH, HUMAN RIGHTS WATCH BRIEFING PAPER ON U.S.MILITARY COMMISSION (2003), AVAILABLE AT WWW.HRW.ORG/BADKGROUND/USA/MILITARY-COMMISSIONS.PDF.

۴۶. STANDARD MINIMUM RULES FOR THE TREATMENT OF PRISONERS, ADOPTED 30 AUG.1955 ,E.S.C.RES.663C (XXIV), U.N.ESCOR, 24THSESS., SUPP.NO.1, AT 11, U.N.DOC.E/3048 (1957), 21(1), AMENDED BY U.N.DOC.E/5988 (1977), AVAILABLE AT WWW1.UMN.EDU/HUMANRTS/INSTREE/G1SMR.HTM (REQUIRES AT LEAST ONE HOUR OF SUITABLE OPEN AIR EXERCISE A DAY)

۴۷. RED CROSS FINDS DETERIORATING MENTAL HEALTH AT GUANTANAMO, USA TODAY, 10 OCT ,2003.AVAILABLE AT WWW.USATODAY.COM/NEWS/WORLD/2003-10-10-ICRC-DETAINEES-X-HTML.

۴۸. JAKOB KELLENBERGER, 60TH ANNUAL SESSION OF THE UN COMMISSION ON HUMAN RIGHTS-STATEMENT BY THE PRESIDENT OF THE ICRC (17 MAR.2004),

AVAILABLE AT WWW.ICRC.ORG/WEB/ENG/SITEENG0.NSF/HTMLALL/5X6MY5?OPEN DOCUMENT & STYLE=CUSTO_PRINT.

۴۹. CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, INCLUDING THE QUESTION OF TORTURE AND DETENTION :REPORT OF THE WORKING GROUP ON ARBITRARY DETENTION, LOUIS JOINET CHAIRPERSON-RAPPORTEUR, EXECUTIVE SUMMARY, U.N.ESCOR, COMM""N ON HUM.RTS59 ,.THSESS., AGENDA ITEM 11(A), U.N.DOC.E/CN.4/2003/8 (2002), AVAILABLE

AT WWW.HRI.CA/FORTHERECORD2003/DOCUMENTATION/ COMMISSION/E-CN4-2003-8.HTM.THE UNITED STATES REJECTED THIS POSITION.

۵۰. CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, INCLUDING THE QUESTIONS OF: TORTURE AND DETENTION: RESPONSE OF THE GOVERNMENT OF THE UNITED STATES OF AMERICA TO THE DECEMBER 2002 ,16 REPORT OF THE WORKING GROUP ON ARBITRARY DETENTION, U.N.ESCOR COMM""N ON HUM.RTS., 59THSESS.AGENDA ITEM 11 (A), U.N.

۵۱. DAVID COLE, ENEMY ALEINS: DOUBLE STANDARDS AND CONSTITUTIONAL FREEDOMS IN THE WAR ON TERRORISM (2003).SEE ALSO AMERICAN CIVIL LIBERTIES UNION, AMERICA""S DISAPPEARED: SEEKING INTERNATIONAL JUSTICE FOR IMMIGRANTS DETAINED AFTER SEPTEMBER 11 (2004),

۵۲. MARJORIE COHN, ROUNDING UP THE UNUSUAL SUSPECTS: HUMAN RIGHTS IN THE WAKE OF :11/9 HUMAN RIGHTS, CASUALTY OF THE WAR ON TERROR, 25 SAN DIEGO JUSTICE J.317.(2003) SEE ALSO KAREEM FARHIM, THE MOVING TARGET: PROFILES IN RACISM, AMNESTY NOW, WINTER 2003/



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی